

آیا اسلام مخالف ثروت و طرفدار فقر است؟

سناش از مفهوم فقر - در پاره‌ای از روایات - اعلان تفرق و جنگ با جوامع فریبکار و خودخواه و تجمل پرست است که بانی حسری و اسراف و تذبذب، ثروت‌های عمومی و خصوصی را بر باد می‌دهند

از موضوعاتی که طرفداران فرقه دین‌پیش
ملعب در اثر عوامل اجتماعیه ممکن است به آن
دست زده باشند، این است که احیاناً در مباح مذهبی
از «ثروت» و ستایشانی است که از «فقر»
شده است.

می‌گویند: هر کس با قرآن آشنایی داشته باشد
به روشنی می‌بیند که مال و ثروت موضوع کم ارزشی
مهرتی شده، و حتی گاهی ثروتمندان را تحقیر می‌کند،
تا آنجا که مال و ثروت را تنها وسیله تمتع و بهره -
گیری از زندگی دنیا می‌داند - که زندگی دنیا به معنی
حیات پست و ساقط است - رَبِّقِنِ لِلنَّاسِ حُبَّ
النِّبَاةِ مِنَ النَّسَاءِ وَ التَّمَنُّينِ وَ التَّقَاتِمِ -

الْمَقْمَطَرَةَ مِنَ السُّدْبِ وَ النِّصَةَ وَ التَّخِيلَ
الْمُسَوِّمَةَ وَ الْأَنْعَامَ وَ التَّحْرَثَ ذَلِكَ مَنَاعُ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا: «علاقه به مشیوت حسی، و فرزندان، و
زین‌های کلان الرطلا و نقره و مریکها و چهارپایان
و زراعت در نظر مردم تزیین یافته درحالی که اینها
مناع زندگی دنیا (وحیات پست و یابیننده)» (آل -
صمران ۱۴)

و این خود دابل روشنی بر بی ارزشی بودن این
سرمایه‌هاست، حتی از پیامبر اسلام نقل می‌کند که
به وقوفه اشخار می‌کرد و می‌گفت «الْفَقْرُ فَخْرِي»
و در نهج البلاغه از علی (ع) نقل شده است مَنْ أَحْسَنًا
أَهْلَ النَّبِيِّ فَلْيَعْبُدْ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا: «آن کس که

مادام دوست دارد باید پوششی از فقر برای خود آماده سازد و خود را آماده محرومیت کند (نهج البلاغه کلمات قصار - حکمت ۱۱۲) **حَدِيثُ حَبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ حُطْبِيَّةٍ** هر محدث دنیا سرچشمه همه گنجاها است. بجز از احادیث معروف می باشد.

آیا بدون داشتن سرمایه اقتصادی هیچ برنامه فرهنگی و بهداشتی قابل عمل است؟
آیا بدون استعداد مالی توانایی بر دفع دشمنان وجود دارد؟

چگونه امکانات فقیر می توانند صورت و منافع طرح و عظمت و سر بلندی و استقلال خود را حفظ کند. حتی برنامه های تبلیغاتی و تعلیم و تربیتی مذهبی بدون تجهیزات کافی که نیازمند سرمایه های مادی است امکان پذیر نخواهد بود.

آیا این گونه روایات مذهبی انسان را گرفتار و وسوسه های مازنی استانی که برای پیدایش مذاهب انگیزه استعمار و تحذیری فائده نمی کند و یا اگر به راستی بخیر ابریم به مذهب و فادار به ما می یابد این گونه روایات را مجموعی بدانیم

وئی بررسی کلی روی بحثهای مربوط به فقر و ثروت در منابع مختلف مذهبی ما نشان می دهد که عقاید و الایز نتیجه مطالعات سطحی و رودگذر بوده که انجانا به خاطر قناعت کردن به آنچه در باره مذهب از زبان افراد کوچک و بزرگ و غیر مستول شنیده می شود. به وجود آمده است.

بدرای ذلت مفهوم فقر و غنی و در تعییرات

۱- نهج البلاغه کلمات قصار کلمه ۱۵۳

اسلامی باید قبلا روایات و آیاتی که در این زمینه وارد شده در برابر هم بچینیم و با توجه به این و تقارن و مقایسه، مفاهیم دینی آنها را در یابیم.

در مقابل احادیث و آیات فوق، آیات و احادیثی می بینیم که در آنها بگونه و ستایش از ثروت و مذمت و تنگنوش از فقر شده گاهی ثروت و ثروتمندی و انسانی در آنها به عنوان یک داد خدا الهی معرفی شده و **يُمَايِدُكُمْ بِأَمْوَالٍ رَبَّمَا أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ نَائِمًا لَكُمْ يَأْمُرُ الْوَالِدِينَ بِالْحَقِّ وَالْأَقْرَبِينَ (سوره نوح ۱۲)** و ما شما را با اموال و روزگاران نهداد و باری کردیم.

و گاهی از اموالی که بس از مرگ به عنوان میراث باقی می ماند تعبیر به **خَيْرٍ** کرده (....) **إِنْ كُنْتُمْ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ...** (قره - ۱۸۰)

در جای دیگر ثروت را وسیله موثر جهاد دانسته چنانکه در بسیاری از آیات قرآن می خوانیم **جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ فَإِنَّكُم مِّنْ سَبِيلِ اللَّهِ** و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کنید (توبه - ۲۱) با تغییراتی مشابه آن.

از مجموع این تعییرات استفاده می شود که موقعیت خاص ثروت در پیش راه خدا و به این معنی به عقاید نظر اسلام دور بوده بلکه بعنوان یک نیروی محرک عظیم برای گرایش به جهای است (توسعه) شرف مندانه و آمیخته با سر بلندی مورد تأکید قرار گرفته است.

بعکس می بینیم در روایات اسلامی گاهی از فقر و محرومیت به **هَرَكَةُ بَرَكَةٍ** **الْفَقْرُ هُوَ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ (۱)**

درمانی «هم عمر بر با کفر» **(كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا) (۱)**

و ما به روز سیاهی دادند و آخرت **(الْفَقْرُ سَوَادٌ أَنْ تَجِدَ فِي الدَّارَيْنِ) (۲)** شمرده شده است.

و در حدیثی نیز وسیله ای که موجب نقصان دین و بر باد رفتن عقل و فراهم شدن خشم خدا و عشم مردم می شود، معرفی گردیده است **(أَنَّ أَحَدًا مِنْكَ الْفَقْرُ فَإِنَّ سَعِيدًا لِلَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ فِي الدِّينِ، مُدْحَجَةٌ لِلْعَالِ، دَاعِيَةٌ لِلْمُنْتَفِئِ) (۳)** صراحت این تعییرات و مسا بودن مفاهیم آنها به قدری است که می تواند هر گونه ابهام را در این مسأله از بین ببرد و مسأله فقر را به یک مسأله دینی - دوزخ سازد.

کمی بیشتر در مجموعه این آیات و روایات دقیق می شویم و با بررسی کجنگانه آنها را بررسی می کنیم. به چند مطلبی که می تواند کلیت حل این مشکل گردد دست می یابیم.

۱- برخلاف آنچه در کلمه فقره در عرف امروز ما استفاده می شود منظور از فقری که در باره ای از احادیث بود و در باره اش فرادگرفته، فقر به معنی بیرونی و نهیستی نیست، بلکه بگونه زندگی ساده و خالی از زیورآبها و تملکات و تشریفات کمر شکن است که معمولاً در جو ارایع طبقاتی و سرمایه داری گنوی

زیاد به چشم می خورد.

ستایش از این مفهوم فقر بگونه اعلان جنگ با جو ارایع فریبکار و خود خورانه و تجمل پرست است که با نهایت بی حسی و اسراف و تبذیر تمام و در برابر دیدگان جمعی از محرومان، ثروتهای عمومی و خصوصی را بر باد می دهند.

طرفداری از این گونه سادگی زندگی که معمولاً با بیاداری و آگاهی و آزادگی و وارستگی همراه است، گام بردگی به سوی عدالت اجتماعی است این که از پیامبر اسلام نقل می کنند که می فرمود: **لَنْ يَسْكُنِيَ هَيْسَمٌ هَيْسَمِينَ مَسْكِينًا** به روشنی به همین معنی اشاره می کند.

و با آیه ۲۷ سوره کهف که در بالا آوردیم و در آن به پیامبر دستور داده شده است که **وَأَنْتُمْ نَعْتَدَانِ** مفرود و عامل از یاد حق، پیروی نکنید با افراد کم درآمدی باشد که صحیح گنهان و شاه گاهان خدا را می خوانند و در راه او گام بر می دارند و نیز اشاره به همین حقیقت است. این همان روح بشر دوستی و عفتت مردمی دستورات اسلامی است که همواره در کنار توده های زحمتکش ایستاده و با ثروت اندوزان غافل و غیور خواه مبارزه می کند...

(بقیه دارد)

۱- ۳۶۱- سینه الجارح - الیامیر کرم (ص) ج ۲ ماده فقره
۲- نهج البلاغه کلمات قصار کلمه ۳۱۹